

تفرقه بیانداز و حکومت کن

جوخه های مرگ نگروپننه در عراق فعال می شوند

جنگ شیعه با سنی در عراق یکشنبه بوجود نیامده و به این وسعت و توحش نیز نبوده است. انفجار حرم مقدس عسگری اوج تلاشهای بیهوده ای بود که برای ایجاد درگیری مصنوعی و زورکی میان شیعه و سنی تدارک دیدند. بمبگذاری در این مکان مقدس شیعیان مظهر عصبانیت و هیستری امپریالیستی است که می بیند با بمب گذاری های قبلیشان در عزاداری های شیعیان کاری به جانی نبرده اند و نیروهای مقاومت دست آنها را خوانده اند. انفجار اخیر شکست برنامه انفجاری امپریالیستهاست. ولی پایان ترورهای ددمنشانه آنها نخواهد بود. تا یک آمریکائی و انگلیسی متجاوز در عراق وجود دارند، تا جاسوسان اسرائیلی و ایرانی و توده ای در عراق در پی نابودی خلق عراقند باید این مبارزه با تمام قدرت به پیش برده شود و پرچم آزادی و دموکراسی را بر سر گورستانهای سربازان متجاوز آمریکائی در خاورمیانه بزرگ باهتزاز در آورد. **خاور میانه آزاد و دموکراتیک خاور میانه ای بدون امپریالیستهاست.**

برخی از تحلیلگران بر این نظرند که در پشت این فجایع دست بنیادگرایان اسلامی شیعه و وهابی های عربستان سعودی قرار دارد. نمونه های این "برادر"، کشیها را ما در مشهد در حرم امام رضا و در پاکستان شاهد بوده ایم.

پاره ای دیگر از تحلیلگران معتقدند که کار کار سنیهای اقلیت عراق و نیروهای نظامی عراق که متأثر از حزب بعث اند صدام هستند، می باشد. آنها در مقابل قلدری شیعیان به امکان متبرکه آنها تجاوز کرده و آنها را تخریب نموده و مراسم عزاداری شیعیان را به بمب می بندند. بنظر ما چنین تحلیلهائی ژورنالیستی است و برد لای جرز می خورد.

در کشور عراق در زمان صدام حسین هرگز قوم کشی شیعه و سنی در کار نبود، سرکوبهای سیاسی در آن کشور ریشه در سیاست داشت تا در مذهب. منافع صدام حسین و حزب بعث ایجاب نمی کرد که نزاع شیعه و سنی براه بیاندازد. اوضاع از زمانی تغییر کرد که ارتش اشغالگر امپریالیستها خاک عراق را اشغال کرد و رئیس جمهور قانونی آنها را به اسارت گرفت و بطور غیر قانونی در مقابل یک دادگاه دست نشانده با حمایت یک رژیم دست نشانده قرار داد. وضعیت نابسامان عراق ناشی از اشغال کشور عراق و دخالت امپریالیستها در امور داخلی آن است. اگر صدها بار انتخابات تقلبی در عراق برگزار کنند و رای دهنده از اسرائیل برای شرکت در انتخابات وارد نمایند و شهود خود فروخته جهانی زیر اسناد این تقلبات را با بی وجدانی در مقابل مبالغ گزاف و زندگی بی درد و سر امضاء نمایند و اگر هزاربار برای آنها قانون اساسی تقلبی برای فریب خلق عراق بنویسند، باز کلیه تشبیهات آنها با شکست روبرو می شود. هرگاه خلقی تصمیم گرفت که در آزادی و با افتخار زندگی کند نه جرج بوش و نه تونی بلر و نه آنگلا مرکل و شیراک و نه نوکران بومی آنها نظیر جلال طالبانی و مسعود بارزانی و ابید علوی و کیهان لندنی و نظایر آنها نخواهند توانست مسیر تاریخ را تغییر دهند.

از همان روز نخست، تبلیغات امپریالیستها در آن جهت بود که ثابت کنند مبارزه ایکه در عراق در گرفته است نه مبارزه مردم بر ضد قوای اشغالگر بلکه مقاومت مشت قلبی تروریست است که ارتش قدرتمند آمریکا در عرض چند ساعت کلک آنها را می کند و آنها را یک لقمه چرب می کند. لقمه ای که باید چرب می بود در گلولی امپریالیست آمریکا گیر کرده است و دارد وی را خفه می کند. نوکران فارسی زبان جرج بوش نیز همین اراجیف را نشخوار می کردند. جرج بوش با سینه سپر کرده بر عرشه رزمناو آمریکائی با ژستی متفرعانه نمایان شد و حتی پایان کوتاه ترین جنگ جهان را به مردم جهان بشارت داد. وی نمی دانست که قیافه اش از قیافه محمد سعید الصحاف عراقی هزار بار مضحک تر است. وقتی مقاومت اوج گرفت مجبور شدند به جای "مشتی تروریست" از "تروریستهای وارداتی" نظیر القاعده و الزرقاوی و نظایر آنها سخن برانند. وقتی این نوع تبلیغات نیز با شکست روبرو شد تعداد "تروریستهای وارداتی" را بدون تعمق و تنا از روی استیصال و در ماندگی به سی هزار نفر رساندند غافل از اینکه برای آنکه سی هزار نفر بتوانند به مبارزه مسلحانه توسل جویند به صدها هزار نفر حامی در پشت جبهه نیاز دارند تا کار تدارکاتی را به انجام برسانند. آنها نیاز به آب و غذا، به پوشاک، به کفش، به جای خواب برای استراحت، به مکانی برای پنهان شدن، به اسلحه و پول و پوشش طبیعی دارند. آنها باید در حرکت باشند، به ماشین و سوخت نیاز دارند. آنها اطلاعات دقیق از درون دشمن دارند. همه این حقایق را نمی شود در پشت سر الزرقاوی پنهان کرد. چندی بعد به سخن از شورشیان و نه نهضت مقاومت خلق عراق به میان آمد و ادعا شد که این شورشیان "مشتی سنی متعصب" هستند که امتیازات دوران صدام حسین را از کف داده اند و حال از با انگیزه منافع شخصی و از غیض حسادت با اشغالگران می رزمند. این آغاز سیاست تغییر جهت جنگ، از جنگی ضد امپریالیستی و میهن پرستانه به قوم کشی داخلی بود. جوخه های مرگ امپریالیست آمریکا به طراحی نگروپننه که کارشناس این مسایل بود پا گرفت و اثر انگشت جنایات آنها در عراق روشن شد. کلیه تجارب آمریکای جنوبی در عراق تکرار می گردد و حزب کار ایران (توفان) در ارزیابیهای گذشته خویش نقش آقای نگروپننه را که راهی عراق برای ایجاد چنین وضعی شده بود بر ملا کرد. حال نگروپننه ثمره کشت خویش را درو می کند. بمب گذاری و ترور روشنفکران و منتقدین و سران سیاسی مورد حمایت عمومی و محبوب، ارتکاب بهر جنایتی که فقط ایجاد انزجار و وحشت کند از طرحهای آقای نگروپننه آمریکای است.

مهم این نیست که بمب گذار امروزی در حرم مقدس عسگری در شهر سامره تابعیت عراقی داشته یا نداشته است، عرب باشد یا نباشد، مسلمان باشد یا نباشد. مهم آن است که این دستها از آستین امپریالیستها بدر می آیند تا سیاست آنها را در عراق پیاده کنند. امروز که قوای اشغالگر در مقابل اوج مقاومت مردم در مانده است و حتی با کشتار ۱۳۰۰۰۰ نفر و تخریب شهر فلوجه و شکنجه گاه ابو غریب نتوانسته است از فشار مقاومت مردم بکاهد، حال به این دسیسه جدید متوسل شده است که کار نیروهای مقاومت را به بهانه اینکه که گویا آنها "سنی های متعصب" و بازنده جنگ هستند توسط شبه نظامی های شیعه از پای در آورد و خودش شاهد این هرز رفتن نیروها باشد و تنفسی برای سربازان آمریکائی فراهم آورد. در این بمب گذاریها که برای ایجاد تفرقه میان شیعیان و سنی ها صورت می گیرد دست کثیف و جنایتکارانه امپریالیست آمریکا بوضوح نمایان است.

آنها توسط عوامل نفوذی خودشان سپس شیعیان را برای تهاجم به مساجد سنی ها و کشتار مراجع دینی آنها تشویق می کنند و ابعاد فاجعه را گسترش می دهند و در ته دل از اینکه به اسلحه مذهب این افیون توده ها متوسل شده تا جهت مبارزه را برگردانند و قوای اشغالگر را از زیر فشار بدر آورند خوشحالند و می خندند.

این بمب گذاری جدید آمریکای در حقیقت انظار را از شکنجه های مهیب زندان ابو غریب که اسناد بیشتر از آن منتشر شده و روشن کرده است که شخص رونالد رامزفلد و دیک چنئی در آن دست داشته اند منحرف کرد. این بمب گذاری که به گواه شاهدان عینی توسط افراد نقابدار و کارکشته و با تجربه نظامی انجام پذیرفته است، کاری با حساب و برنامه ریزی شده از طرف امپریالیستهاست بهمین دلیل ساده که فقط نفع آنها را در بر داشته و بروز یک جنگ داخلی می تواند در خدمت توجیه اقامت طولانی آنها در منطقه تمام شود. جرج بوش به این اسناد برای اظهار وجود در آمریکا و تسکین افکار عمومی و افزایش بودجه نظامی و کنگر خوردن و لنگر انداختن در خاور میانه نیاز دارد. نوکران بومی جرج بوش نیز همین استدلال را می کنند و می گویند حضور آمریکا در عراق ضرورت دارد زیرا مردم عراق خودشان شایسته آن نیستند که حکومت مورد اعتماد خودشان را انتخاب کنند. آنها به قیم نیاز دارند، به کسی محتاجند که برای آنها فکر کند. خروج سربازان اشغالگر در شرایط کنونی یعنی موافقت با حکومت الزرقاوی و بهتر است که آمریکائی های “متمدن”، “دموکرات”، “آزادخواه”، در عراق بمانند تا آخرین “تروریست هوادار اسلام سیاسی” کشته شود و خلع سلاح گردد.

ولی همه نیروهای با تجربه را در عراق نمی توان با این افسانه سرائیها و دشنام و تحقیرها فریفت. احزاب قدرتمند سنی فوراً از مقتدی صدر شیعه در بغداد در خواست کردند که حفاظت آنها و اماکن مقدس آنها را توسط شبه نظامیان خویش بعهده بگیرد. مقتدی صدر با کمال میل به این در خواست پاسخ مثبت داد. وی دسیسه امپریالیستها برای جلوه دادن تفرقه میان عراقی ها به بهانه مذهب را برهم زد. هر سیاستی که بخواهد به ایجاد تفرقه در عراق دست زند، جنگ شیعه سنی راه بیاندازد تا امپریالیست آمریکا دیگر آماج حمله قرار نگیرد و جبهه متحد میهنپرستان عراقی را تضعیف کند سیاستی در خدمت امپریالیسم است که توسط عوامل آنها و یا آلت دستهای آنها به انجام می رسد. از قدیم گفته اند تفرقه انداز و حکومت کن.

جبهه بزرگ میهنپرستان عراق باید همانگونه که تا کنون عمل کرده با هشیاری این دسیسه ها را بی اثر سازد، افراد تعلیم دیده جوخه های مرگ آمریکا را شناسائی کند و آنها را بدیار عدم بفرستد، همدستان امپریالیستها حزب توده عراق و دارو دسته های ناچیز هوادار منصور حکمت را به سزای اعمال کثیفشان برساند و خلقهای عراق را برای یک مبارزه توده ای طولانی قهرآمیز و ایزائی بسیج نماید تا ورقه تسلیم امپریالیسم در بغداد توسط رونالد رامزفلد حقیرانه به امضاء برسد.

تجربه عراق باید برای جنبش آزادیبخش ایرانیان نیز آموزنده باشد. ایجاد تفرقه و نعره های تجزیه طلبی ناسیونال شونیستهای کرد و آذری و عرب در خدمت سیاست عمومی امپریالیستی در منطقه است و از این ناحیه نیز تقویت می شود. برخی از این کاسبکاران بوی دلار از واشنگتن به مشامشان رسیده است و مشغول صابون زدن به شکمهای خویش هستند. حزب ما هر کس را که دستش را در نزد امپریالیستها بهر بهانه ای دراز کند نوکر امپریالیسم و جاسوس می داند. این افراد و یا جریانیها خائن به مردمند و باید آنها را مانند احمد چلبیهای ایرانی افشاء نمود.

حزب ما به شکست امپریالیستها در عراق ایقان دارد.

حزب کار ایران (توفان)

یکشنبه هفتم اسفند ۱۳۸۴

www.toufan.org